

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی استقراء از نگاه فلاسفه‌ی مسلمان و پوزیتیویستهای منطقی

محل انتشار:

کنگره بین المللی زبان و ادبیات (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

داریوش باباییان - کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی / مدرس دانشگاه و دبیر آموزش و پرورش

خلاصه مقاله:

دانشها گوناگونند علت گوناگونی دانشها میتواند موضوع، روش، هدف و... باشد، روش راهی است که دانشی به آن ساخته میشود. روشها گوناگونند نامبردارترین روشها روش عقلی، استقرایی و شهودی است. روش استقرایی آناست که از مشاهدگی افراد جزیی به قانون کلی برسیم، به دیگر سخن از مقدمات جزیی به نتیجهای کلی رسیدن را استقراء گویند. استقراء چون با حس و مشاهده سر و کار دارد و گسترش دانش تجربی را در پی دارد از دیگر روشها کاربردیترو خرسند کنندهتر است. با این همه این روش هیچگونه پشتوانه منطقی و تجربی ندارد و پایههای آن سخت سست است. این روش در طول تاریخ فلسفه به کار رفته و در بارهی آن چون و چرا شده است. ارسطو و فیلسوفان مسلمان استقراء را بهعنوان یک روش میشناسند اما آن را یقینی نمیدانند. به جای استقراء از تجربه استفاده میکنند که با قیاس خفی (الاتفاقیهلایکون دایمیا و لا اکثریا) همراه است. در این باره جدای از فیلسوفان مسلمان بسیاری دربارهی جایگاه استقراء سخن گفتهاند از همه مهمتر فیلسوفان پوزیتیویستند که سخت از آن جانب داری کرده و سپس آن را تعدیل کردهاند. در این مقاله با اشارهای گذرا به تعریف واژگانی و سرگذشت استقراء، مساله استقراء را از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و پوزیتیویستهایمنطقی نخست بررسی و سپس ارزیابی کردهایم

کلمات کلیدی:

روش، استقراء، فلاسفه‌ی مسلمان، پوزیتیویستهای منطقی، تجربه، حس، تحقیق پذیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/581646>

